

**Discourse semiotics of historical, epic-religious and imaginary
aspects of the story of Hamzenameh in comparison with Abu
Muslim-Nameh**

Muslem Naseri¹

Received: 2021/04/06 | Accepted: 2021/06/08

(DOI): 10.22034/MTE.2021.6414

Original Article

P 215 - 253

Abstract

However, research has been done on the historical aspect of the heroes of classical literary works, less effort has been made to identify literary works, especially the characters and heroes of medieval fiction with regard to its cultural aspects, in order to explain the factors and context of the main discourses and cultural sub-discourses of such works. The subject of this article is the study of the discourse systems in Hamznameh, one of the most important and influential works in the medieval history of the Islamic world, what is its relationship with other cultural, religious and even political discourses and other stories of that era such as Abu Muslimnameh. To do this, it must be described, interpreted and explained in an appropriate way. It seems that Laclau and Moff's theory, which is suitable for analyzing literary and fictional works, and with the help of three-stage semiotics (Soltani, 2014) can represent the hidden layers of this work and with providing a suitable model, can observe the reasons for the formation of this story and sub-discourses of Islamic, Iranian, and Arabic culture in the context of two Shiite-Sunni discourses that how storytellers of different religions have shown the intellectual and religious confrontations of their own period in this work. This article intends to describe and explain the three aspects of Hamza historical, epic-religious and fictional (story) that led to the formation of one of the most important stories in the Middle Ages of the Islamic world and its narrative covers a wide range of several centuries with the help of library sources.

Keywords: Hamzenameh, story, discourse semiotics, historical Hamzeh, religious Hamzeh, imaginary Hamzeh, Abu Muslimnameh.

نشانه شناسی گفتمانی و جوه تاریخی، حماسی - دینی و خیالی قصه حمزه نامه در مقایسه با ابومسلم نامه

مسلم ناصری^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2021.6414

تاریخ دریافت: ۴۰۰/۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۰۵/۱۸

علمی - پژوهشی

ص: ۲۵۳/۲۱۵

چکیده

با آن که در باره وجه تاریخی قهرمانان آثار ادبی کلاسیک تحقیقاتی صورت گرفته است، با این حال کمتر تلاشی برای شناخت آثار ادبی بخصوص شخصیت‌ها و قهرمان‌های آثار داستانی تاریخ میانه با توجه به جنبه‌های فرهنگی آن انجام شده است تا عوامل و زمینه گفتمان‌های اصلی و خرده گفتمان‌های فرهنگی موجوده چنین آثاری تبیین گردد.

مساله این مقاله، بررسی نظام‌های گفتمانی موجود در حمزه نامه، یکی از آثار مهم و تأثیرگذار تاریخ میانه جهان اسلام است که چه ارتباط و نسبتی با دیگر گفتمان‌های فرهنگی و مذهبی و حتی سیاسی و دیگر قصص آن عصر مثل ابومسلم‌نامه داشته است. برای این امر، باید با روشی مناسب آن را توصیف، تفسیر و تبیین کرد. به نظر می‌رسد نظریه لاکلا و موف که مناسب تحلیل آثار ادبی و داستانی است و با کمک نشانه شناسی سه مرحله (سلطانی، ۱۳۹۳) بتوان لایه‌های پنهان این اثر را بازنمایی و با ارائه الگوی مناسب، علل شکل‌گیری این قصه و خرده گفتمان‌های فرهنگ، اسلامی، ایرانی، عربی را در پهنه دو گفتمان شیعی - سنی مشاهده کرد که هنرمندان قصه‌پرداز مذاهب مختلف چگونه تقابل‌های فکری و مذهبی دوره خود را در این اثر نشان داده‌اند.

این نوشتار بر آن است تمایز سه وجه حمزه تاریخی، حماسی - دینی و تخیلی (قصه‌ای) را که موجب شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین قصه‌های تاریخ میانه جهان اسلام شده و روایت آن گستره وسیعی را چندین قرن در بر می‌گرفته با کمک منابع کتابخانه‌ای توصیف و تبیین کند.

کلیدواژگان: حمزه نامه، قصه، نشانه شناسی گفتمانی، حمزه تاریخی، حمزه دینی، حمزه خیالی، ابومسلم‌نامه.

^۱ . دکترای تاریخ تشیع، داستان نویس و پژوهشگر، moslem.naseri@yahoo.com

مقدمه

قصه نمودار قسمت مهمی از میراث فرهنگی هر قوم و ملتی است. ارزش‌های سنتی و زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی و همچنین حوادث و سوانح اجتماعی جدید در آن انعکاس پیدا می‌کند (مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۵) که می‌توان با کمک آن روابط بین فرهنگ‌ها و گفتمان‌های حاکم بر آن را کشف کرد؛ زیرا از دیرباز جدای از سرگرم‌کننده بودن قصه، از سوی حاکمان و اندیشه‌ورزان به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر افکار و اندیشه جوامع بشری استفاده شده است.

حمزه نامه یکی از قصه‌های معروف ادب فارسی است که از دیرباز مورد توجه بوده است و حتی برخی از قصه‌پردازان چون عبدالنبی قزوینی با کتابت "دستور الفصحاء" برای طرز روایت آن دستورنامه نوشته‌اند.^۱

گسترده‌گی روایت این قصه در سرزمین‌های مختلف جهان اسلام با فرهنگ‌های گوناگون با نام‌های متفاوت چون حمزه نامه، رموز حمزه، قصه حمزه و عمرو عیار، صندلی نامه و... جای پرسش دارد که این قصه حماسی چگونه توانسته با طیف وسیعی از ملل متفاوت ارتباط برقرار کند و در زبان‌های ترکی، عربی، اردو و هندی و... شنونده داشته باشد. روایتی منظم از این اثر نیز به نام "صاحبقران نامه" در عصر صفویه شکل بگیرد. (محبوب؛ ۱۳۸۶، ۱۲۵۸) از سویی نشانه‌شناسی این قصه می‌تواند بیانگر مطلب مهم‌تری باشد. ترویج آن از سوی شاهان بابر هندی و تأکید بر چگونگی روایت آن از سوی قصه‌پردازان و دیگر سرزمین‌های شرقی می‌تواند نشان‌دهنده تقابل فرهنگی بین دو گفتمان شیعه و سنی دوره روایت این قصه باشد. همزمانی توجه قزلباشان و شیعیان به ابومسلم‌نامه در ایران و توجه شاهان گورکانی هند سنی مذهب و راویان و هنرمندان گریخته از ایران به حمزه نامه، در شکل‌گیری این قصه نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد. نشانه‌های دستوری و مفهومی چون عبارت (رض) رسول صلی الله علیه و السلام) بدون ذکر "آله" در سراسر کتاب و عبارت "ابابکر و عمر و عثمان و علی روان الله علیهم اجمعین و صحابه کرام" (شعار، ۲، ۵۴۰) و شکست پیامبر در احد به خاطر غره شدن پیامبر به شجاعت عمر (همان، ۲، ۵۴۴) و... دال‌ها و نشانه‌هایی از راوی سنتی معتدل این اثر است. بهره‌گیری این قصه از وقایع تاریخی و نوع نگرش معتدلانه راوی مبتنی

^۱ - اصل این کتاب از میان رفته است ولی کتاب دیگری به نام طراز الاخبار از این نویسنده وجود دارد که با آوردن شاهد مثال‌هایی از حمزه نامه برای نوع و طرز روایت قصه از سوی راویان باید به کار برده می‌شده است.

بر توحید و بن مایه‌های عشقی و خرده‌داستان‌های پری‌وار و خیال‌پردازانه همزمان با عدم تمایل شاهان صفوی و غلبه‌گفتمان‌های شریعت‌محور در ایران و هجسه به راویان ابومسلم نامه و انکار و تهدید و حتی قتل قصه‌پردازان (حموی ابهری، ۱۳۸۸، ۱۸۵) سبب روی‌آوری آنان بدین قصه شد تا نوع روایتی خاص از این قصه که خود را به ابتدای ظهور اسلام می‌رساند مورد اقبال جامعه شیعی ایرانی نیز قرار گیرد و تقریباً تا یک نسل پیش ایرانیان شیعه مذهب به شنیدن روایت رموز حمزه و عمرو عیار مشتاق باشند. هرچند راوی شیعه به راحتی می‌توانسته از نقل مباحثی که مرتبط با گفتمان تسنن بوده پرهیز و با افزودن وقایعی از شجاعت‌های امام علی (ع) و... قصه را برای مخاطب شیعی دلپذیرتر سازد.

نگارگری این قصه از سوی هنرمندان ایرانی دربار شاهان گورکانی و توجه خاصه جهانگیرخان به هنرمندان سبب شد که بسیاری از قصه‌پردازان ایرانی به هند رهسپار شود. به طوری که احمد گلچین معانی در کاروان هند قریب به ۷۰۵ هنرمند ایرانی را در دربار گورکانیان برشمرده است. (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ۴) با خوانشی جدید از این قصه شاید بتوان چنین برداشت کرد که تقابل گفتمانی فرهنگی سنی و شیعی در قالب قصه بازنمود پیدا کرده است؛ زیرا بر خلاف قصه ابومسلم نامه که اثری مکتوب با نویسنده‌ای مشخص است. (طرطوسی، ۱۳۸۰) و از سویی قصه‌ای حماسی و به شدت ایدئولوژیک می‌باشد، طیف هنرمندان اهل سنت با توجه به گسترده وسیع طرفداران خود درصدد ایجاد قصه‌ای بر آمده‌اند که علاوه بر پاسخگویی به نیازهای مخاطب همکیش خود، بتواند طیف شنونده غیر هم مذهبشان را نیز مشتاق شنیدن روایت آن کند. این قصه بر خلاف ابومسلم نامه که هر دو بسیار مورد توجه بوده‌اند، کمتر کارکرد ایدئولوژیک داشته بلکه روایانش تلاش کرده‌اند در بازنمود عام از اسلام اما با ظرافت درصدد توجه مذهب عامه بر آیند. انتخاب شخصیتی چون حمزه و عدم اشاره به اختلافات مذهبی و رویکرد عاشقانه همراه با بن مایه‌های فرهنگی سبب شده این قصه پس از تقابل گفتمانی و فرهنگی متصوفه و اهل شریعت بر سر ابومسلم نامه، از جایگاه ویژه‌ای میان مخاطبان شیعی نیز برخوردار شود.

بازخوانی گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌های موجود در این قصه نشان خواهد داد که راویان هنرمند سنی با توجه به گذشته آیین و مذهب مخاطبان خود، چگونه زیرکانه توانسته‌اند با استفاده از بستری تاریخی و تقابل تازیان با پارسیان و بردن قصه به قبل از اسلام و تاکید بر مفاهیم عام و جهان شمولی که هر دو طیف گفتمانی یعنی سنی و شیعه بدان التزام داشته‌اند، قصه‌ای خلق

کنند که حتی از سوی متشرعان، بر خلاف ابومسلم نامه، کمتر مورد هجمه قرار گیرد. در این مقاله تلاش خواهد شد با نشانه شناسی گفتمانی این قصه و نگاهی تطبیقی به ابومسلم نامه به این پرسش‌ها پاسخ داده شود.

انتخاب حمزه به عنوان شخصیت و قهرمان اصلی قصه چه دلیلی داشته است؟ حمزه بن عبدالمطلب با توجه به شخصیت‌های تاریخی حمزه آذرک و دیگر قهرمانان این قصه از چه جایگاهی برخوردار است؟ و دلیل نگاه اسطوره‌ای به عموی پیامبر در این قصه بر چه معیارهایی استوار است؟ دلیل توجه و پذیرش دو گفتمان مخالف (شیعه و سنی) به این قصه چه بوده است؟

پیشینه:

پژوهشگران مقالات بسیاری در باره حمزه نامه، رموز حمزه و عمرو عیار، صاحبقران نامه و... نوشته و هر کدام از دیدگاه متفاوتی به این اثر مهم ادبی توجه کرده‌اند. ذبیح الله صفا در کتاب "تاریخ ادبیات در ایران" این اثر را برگرفته و متأثر از شخصیت تاریخی حمزه آذرک خارجی دانسته (صفا، ۱۳۸۰؛ ۱، ۱۴۵) که در اواخر قرن دوم هجری در سیستان علیه خلافت عباسی قیام کرده است که شرح ماجراجویی‌ها و دلاوری‌های آن در حمزه‌نامه با تغییر شخصیت به حمزه بن عبدالمطلب تبلور یافته است. بر خلاف این دیدگاه رشید خدای افشار و دیگران (۱۳۹۸، ۲۷ تا ۴۶) در مقاله "بررسی تطبیقی حمزه نامه با حمزه البهلوان، منشاء، شخصیت اصلی، محتوا و گونه" اصل این قصه را عربی دانسته‌اند که بعد وارد ادب فارسی و در لوای شخصیت عموی پیامبر با رویکردی دینی روایت شده است. شاید بتوان گفت وجود کلمه "بهلوان" معرب شده پهلوان فارسی دلیل بر بطلان یا حد اقل ضعف این دیدگاه باشد. برخی هم آن را دارای اصالت هندی دانسته‌اند اما دلیل واضحی بر این امر بیان نکرده‌اند. (شعار، ۱۳۶۲، ۱۱)

رضا غوریان و فرزاد قائمی (۱۳۹۸، ۱۴۷ تا ۱۷۰) در "تحقیق درباره خاستگاه حماسه عامیانه حمزه نامه در تطبیق با داستان بهرام چوبینه" ریشه این قصه را از دوران سلسله ساسانیان دانسته‌اند و آن را به زندگانی شخصیتی تاریخی یعنی بهرام چوبینه تطبیق داده‌اند که راوی با استفاده از ماجراهای واقعی تاریخی ایرانی قصه‌ای حماسی با قهرمانی عربی نقل کرده است. نقدی که بر این مقاله وارد است صرف ماجراهای یک شخصیت تاریخی نمی‌تواند

بانمود یک شخصیت تاریخی در یک اثر ادبی باشد. زیرا هنرمند و راوی قصه، از مصالح و وقایع تاریخی و غیر تاریخی بهره مند می شود و قصه ای متفاوت خلق می کند. مقالات دیگری هم این قصه را از حیث ساختار ادبی و بن مایه ای فرهنگی بررسی کرده اند. حسن ذوالفقاری و دیگران (۱۳۸۹، ۲۰۵ تا ۲۳۲) در مقاله "ساختار شناسی بن مایه های حمزه نامه (بن مایه های عیاری، عاشقانه، شگفت انگیزی و کرامت) را مورد توجه قرار داده اند و منیره احمد سلطانی (۱۳۷۳، ۵ تا ۱۹) در مقاله "نگاهی به سیر قصه های عامیانه در دوره صفوی با محوریت رموز حمزه" کوشیده ضمن برشمردن ویژگی های قصه های عامیانه این عصر، رموز حمزه را به اجمال بررسی کند. برخی هم به نگارگری این قصه در عصر شاهان گورکانی هند از سوی هنرمندان ایرانی پرداخته اند که بررسی آن، از حیث این مقاله بیرون است.

اهمیت شناخت زمینه تاریخ و شخصیتی قهرمان هر قصه کلاسیک بر هیچ محقق پوشیده نیست؛ اما چرایی روایت و توجه گسترده جوامع اسلامی به برخی از قصه ها مثل حمزه نامه شاید از اهمیت بیشتری برخوردار باشد که این مقاله می کوشد در چهارچوب گفتمانی با روش نشانه شناسی ویژگی های آن را در بافت تاریخی و دوران روایتش تفسیر، توصیف و تبیین و از حیث محتوایی آن را در سپهر گفتمانی وسیع تری بازنمایی کند و با بررسی منظومه ای همزمانی مثل ابومسلم نامه علل و زمینه ها شکل گیری و شخصیت پردازی چنین اثری را از لحاظ فرهنگی تحلیل و نشانه شناسی کند.

چهارچوب نظری و روش

(نشانه شناسی گفتمانی)

برای تحلیل یک اثر ادبی و داستانی باید سه مرحله مدنظر قرار گیرد. در یک اثر کلاسیک ادبی، در گام نخست آنچه اهمیت دارد متنی است که بازتابنده زمان و مکان (بافت) خاصی است که باید با گزاره های تاریخی مورد راست آزمایی قرار گیرد و با تحلیل نظام های نشانه ای بستر شکل گیری متن بازنمایی شود.

در مرحله دوم تحلیل بینامتنی است یعنی رابطه اثر با دیگر متون باید مورد مذاقه قرار گیرد؛ بدین معنا که اثر مزبور چه ارتباطی با شخصیت های پیرامونی اش داشته و دارد و به عنوان یک متن چه تأثیری از متون قبل و همزمان خود پذیرفته و چه تأثیر بر متون بعدی

گذاشته است. از دیگر سو شخصیت‌ها و قهرمان‌های آن از چه جایگاهی در تاریخ یا واقعیت زمانه خود برخوردار بوده‌اند. بنابر این پس از تحلیل اثر باید دریافت خود را در گستره وسیعی تر یعنی ارتباط آن با متون ادبی و تاریخی قبل، همزمان و بعد آن و همچنین گفتمان‌های جاری و ساری آن دوره قرار داد تا آگاهانه‌تر و با درکی عمیق‌تر از چرایی و چگونگی و علل پیدایش آن بتوان اثر را تحلیل و تبیین کرد.

با این همه تحلیل یک اثر کلاسیک جز با بررسی آن در فضای کلان‌تر اجتماعی، سیاسی و تاریخی امکان بروز نخواهد یافت. مهم آن است که دانسته شود یک اثر کلاسیک به چه مسائلی فرهنگی و فکری پرداخته و چگونه به درک یا حل مسائل فکری زمانه‌اش کمک کرده است و امروزه مسائل اجتماعی و تاریخی و فرهنگی چگونه به درک و فهم بهتر یک اثر کلاسیک منجر می‌شود. مرحله سوم و نهایی تحلیل "بافت اجتماعی" است که بر اساس آن با رجوع به خارج عالم قصه، تبیینی کلان‌تر از منظر روشنفکران اجتماعی و فرهنگی، رابطه اثر هنری با فضای بزرگتری از آن مشخص می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۳) که الگوی آن را چنین می‌توان تصور و تصویر کرد. متن و سپس متون دیگر و ارتباط آنها با اثر مذکور و فضای پیرامونی که اثر را فراگرفته است.

طبق نظریه فرکلاف در این تحلیل نیاز است سه سطح یعنی متن، رابطه آن با متون دیگر و سپس فضای پیرامونی اثر مورد توجه قرار گیرد؛ (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۹۷-۹۶) اما آنچه از نظر فرکلاف مهم است رابطه رخدادهای دستوری و زبانی است که باید با تأمل، جمله‌ها از حیث ادبی و دستوری بررسی و تبیین شوند تا منظور متن درک و فهم شود که برای یک اثر طولانی همچون آثار کلاسیک تقریباً غیرممکن یا غیر قابل اجرا است. با این همه می‌توان از دیدگاه‌های دیگر که توسعه یافته‌اند و متأثر از مباحث زبان‌شناسی هستند و همه عرصه‌های اجتماع را جولانگاه گفتمان می‌دانند، کمک گرفت و یک اثر ادبی را تحلیل کرد. بر همین اساس با کمک دیدگاه لاکلا و موف که متأثر از نظام زبان‌شناسی دوسوسور است، تلاش می‌شود درک شود نظام‌های گفتمانی در یک اثر ادبی چه پیوندی با آثار ادبی و مذهبی پیش از خود داشته و از چه نسبتی با فضا گفتمانی سیاسی-مذهبی و فرهنگی کلان‌تر جامعه برخوردار بوده است؟ تبیین تقابل و تضاد میان گفتمان‌های موجود و راویان قصه به‌عنوان سمبل یکی از گفتمان‌ها فرهنگی، جز با استفاده از نظریه لاکلا و موف امکان‌پذیر نخواهد بود؛ چون این نظریه برخلاف دیگر نظریه‌های گفتمانی درصدد است که کلان جامعه را تبیین

کند و نه مثل نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تنها بخش زبانی آن را. البته اجرایی کردن این نظریه نیاز به روش دارد که مفاهیم و مضامین و بن مایه‌های یک اثر داستانی نشانه شناسی شود که می‌توان به آن نشانه شناسی گفتمانی گفت. طبق این روش ابتدا نظام‌های نشانه‌ای اثر یا همان متن تحلیل و سپس رابطه آن با حوادث قبل و بعد از خود در نظر گرفته و تحلیل بینامتنی بررسی خواهد بود. در مرحله پایانی بافت کلان اجتماعی که اثر در آن روایت شده مدنظر خواهد بود تا معلوم شود رابطه این اثر با فضای اجتماعی که در آن بر ساخته و روایت شده چگونه بوده است و این اثر به چه مسأله اجتماعی و فرهنگی و سیاسی پرداخته و چه کمکی به پژوهشگر برای حل مسائل اجتماعی دوره خاص داشته و دارد. (ناصری؛ ۱۳۹۹، ۱۵۳)

طبق دیدگاه لاکلا و موف هر عمل و پدیده‌ای باید معنادار باشد تا به گفتمان تبدیل شود؛ زیرا پدیده‌ها و فعالیت‌های اجتماعی زمانی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند؛ به عبارتی، جهان اجتماعی فقط در قالب گفتمان قابل فهم است و حقیقتی بنیادین وجود ندارد. این گفتمان‌ها هستند که گزاره‌های درست و نادرست را تولید می‌کنند تا عاملان و نهادهای اجتماعی بر اساس آن گزاره‌ها عمل کنند. لاکلا و موف عقیده دارند که اجتماع صحنه نزاع میان گفتمان‌های گوناگون است که هر یک می‌کوشد مناسبات اجتماعی را به نفع خود تعریف و با تسلط هژمونی خود، قدرت و ایدئولوژی‌اش را حاکم کند. (همان، ۲۴۰)

تلاش خواهد شد حمزه نامه مبتنی بر دیدگاه لاکلا و موف و روشن نشانه شناسی سلطانی تبیین گردد.

سابقه تاریخی قصه حمزه نامه

برخی اعتقاد دارند این قصه به دستور حمزه أذرك نگاشته شده است (صفا، همان، ۱، ۱۴۵) ولی با توجه به شناخت تفکر دنیاگريزانه و دین مدارانه حمزه بن عبدالله شاری چنین امری بعید به نظر می‌رسد اگرچه گردیزی در قرن سوم از کتابی به نام مغازی در شرح دلاوری‌های حمزه نام برده است (گردیزی، ۱۳۴۷، ۱۳۱-۱۳۳) عده‌ای روایت این قصه را در قرون بعد یعنی قرون پنجم و ششم هجری معتقدند (محبوب، ۲، ۱۳۸۷، ۱۲۵۸) مؤید این نظر اشاره طعن آمیز ابن تیمه به روایت این قصه در قرن هفتم هجری است که آن را مطلبی خلاف تاریخ اسلام و سرگذشت حمزه بن عبدالمطلب دانسته است که "به گمان ترکمانان برای وی جنگاوری‌هایی بوده است" کما یظن طائفه من التركمان ان حمزه له مغاز... ". (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۴۳)

قدر متقین این است که قصه حمزه نامه در دوران صفویه در ایران آنقدر معروف بوده است که عده‌ای به بنام حمله خوان و حمزه خوان (محبوب، همان، ۱۳۰) وجود داشته‌اند و در شبه قاره بخصوص در کشمیر، بنگلادش و پاکستان بسیار مورد اقبال بوده است. به طوری که راویان آن بسیار مورد احترام بوده و با القاب "آقابلیب"، "خلیفه بلبل" خوانده می‌شده‌اند حتی این مقام به نسل بعدی آنها به ارث می‌رسیده است که این قصه را با عنوان "صندلی نامه" روایت می‌کرده‌اند (منزوی؛ ۱۳۸۶، ۴۳۶ به نقل از بلوشه ۱۹۳۴) زیرا نام داستان امیر حمزه بوده که بر صندلی می‌نشسته با پهلوانان مشورت می‌کرده است. (دهخدا، ۱۳۷۷)

حمزه نامه چون متنی برای نقالی بوده روایتگران هر عصر، متناسب به دوره خود و با توجه به ساختار سیاسی و اجتماعی و نیازهای مستمعان خویش، آن را تغییر و روایت کرده‌اند. روایتی که امروزه در دسترس است با توجه به نشانه‌های درون‌متنی و بینامتنی، روایتی از اوایل عصر صفویه است؛ دوره‌ای که جهان اسلام به خاطر ظهور صفویان از لحاظ سیاسی و مذهبی در حال دگرگونی بود. پس باید حمزه نامه را با توجه به مناقشات مذهبی میان گفتمان‌های مذهبی سنی و شیعی این عصر با توجه به متون دیگر تحلیل و تبیین کرد تا درک بهتر و عمیق‌تری از این اثر به دست آید. به نظر می‌رسد تنها اثری که همسنگ حمزه نامه، ابومسلم‌نامه نوشته حسن طرطوسی باشد که در گفتمان تشیع دارای جایگاه ویژه‌ای بوده و هست.

حمزه تاریخی، حمزه داستانی

بخش اندکی از ماجراهای حمزه نامه تاریخی و قسمت اعظم آن برگرفته از خیال راوی است. این که حمزه، عموی پیامبر است و در مکه زاده شده است و سرانجام پس از دیدار با پیامبر در احد به شهادت می‌رسد مبتنی بر واقعیت تاریخی است و باقی ماجراها تلفیقی از وقایع تاریخی، آداب و رسوم، اعتقادات و بن‌مایه‌های فکری دیگر فرهنگ‌هاست که هر یک از این بخش‌ها می‌تواند زمینه مقاله مستقلی قرار بگیرد. لیکن در این نوشتار بیشتر بر اهمیت بخش فرهنگی و تقابل گفتمان‌های ساری و جاری سده‌های میانه اسلامی استوار خواهد بود.

خلاصه حمزه نامه

قهرمان حمزه نامه، عموی پیامبر است که در رؤیایی انوشیروان شاه ساسانی پی به تولد وی می‌برد. کسی که به حکومت وی آسیب خواهد رساند. به همین منظور "شاه هفت کشور"

برای نابودی حمزه وزیر دانایش، بوزجمهر را راهی مکه می‌کند، اما بوزجمهر که خود تباری از دانیال نبی دارد، با مهر تولد حمزه و همراه وی یعنی عمر امیه زمیری (ضمیری) را جشن می‌گیرد و با دادن هدیه به عبدالمطلب تولد وی را تبریک می‌گوید.

خبر پیروزی‌های حمزه سبب ناراحتی انوشیروان می‌شود. او فرمانده خود، هرمز خران را با سپاهی عظیم برای دستگیری قهرمان عرب راهی مکه می‌کند، اما حمزه با شکست سپاه ایران و کشتن پهلوانان لشکر شاه هفت کشور مورد توجه شاه ایران قرار می‌گیرد و به دعوت انوشیروان به تیسفون می‌رود که با دیدن مهرنگار دختر شاه - که خواهر زاده شاه یعنی اولاد مرزبان خواستگار وی است عاشق دختر شاه می‌شود - البته این عشق دو سویه است، ولی شاه ساسانی چون "بچه مکه" را هم‌شأن پادشاه هفت کشور نمی‌داند، وی را به مأموریت‌های سخت و بی بازگشت می‌فرستد تا شاید قهرمان عرب نابود شود؛ ولی حمزه با پیروزی بر دشمنان و آوردن خراج روم و یونان و بعد هم رفتن به دنیای پریان پیروزمندانه به ایران باز می‌گردد؛ لیکن انوشیروان عهدشکنی می‌کند و با مشورت و رأی بختک وزیر دیگرش از دادن دخترش مهرنگار به حمزه تن باز می‌زند و او را به مأموریت‌های خطرناک‌تر می‌فرستد. اما سرانجام مجبور می‌شود مهرنگار را به وی بدهد که در توطئه‌ای از سوی شاه و وزیر کشته و موجب دیوانگی حمزه می‌شود. او دختر دیگر انوشیروان را به زنی می‌گیرد و سرانجام هم با خبر رسالت آخرین پیامبر به مکه باز می‌گردد و پس از اسلام آوردن همراه یارانش در غزوه احد شهید می‌شود.

آنچه از این اثر حماسی که شامل ۶۹ قصه است با واقعیت تاریخی منطبق است زادن حمزه در مکه و شهادت وی در احد است و باقی ماجراها همه زاده تخیل راوی و قصه‌پردازی است که تلاش داشته با آمیختن تاریخ و تخیل و با وام‌گیری از مناسبات اجتماعی زمانه و خرده فرهنگ‌های مختلف، قصه‌ای رنگارنگ و جذاب ارائه کند. با آن که زادن حمزه همزمان با رسول خدا و با فاصله‌ای دو یا چهار سال است و به گفته‌ای آن دو رضیع همدیگر بوده‌اند (مقریزی، ۱۴۲۰، ۱، ۹) تولد پیامبر در نیمه دوم قصه حمزه نامه اتفاق می‌افتد. حمزه کسی بود که خدیجه را از خویلد برای پیامبر خواستگاری کرد. (طبری، همان، ۲، ۲۸۱) و در سال دوم بعثت به خاطر ماجرای معروف اهانت ابوجهل به پیامبر کنار کعبه به اسلام گرایید. (طبری، ۱۳۸۷، ق، ۲، ۳۳۴) وی در شجاعت چون شیر بود؛ برای همین ملقب به اسدالله و اسد رسول الله شد. (یعقوبی، بی تا، ۲، ۹) وی اولین کسی بود که پیامبر در مدینه برایش

پرچم بست و او را به سوی "جهینه" به جنگ فرستاد. وی در غزوه بدر نقش بارزی داشت و سرانجام در احد پس از کشتن ۳۱ تن از کفار قریش کشته شد. (طبری، همان، ۲، ۳۳۴)

در تاریخ حمزه دیگری نیز به نام حمزه شاری (ابن کثیر، ۱۴۰۷؛ ۱۰، ۱۸۶) یا حمزه بن آترک (آذرک) (ابن خلدون، ۱۳۶۳؛ ۲، ۳۴۵) نیز ذکر شده است که به گفته تاریخ سیستان از خاندان اصیل ایرانی و از نسل "زوطهماسب" بوده است. (نویسنده نامعلوم، ۱۳۱۴، ۱۵۶)

وقایع حمزه نامه بسیار با دلاوری‌های این قهرمان سیستانی مشابهت دارد. به گفته تاریخ سیستان "وی مردی بزرگ و شجاع بود که وقتی یکی از عمال خلیفه عباسی هارون، بی ادبیها کرد حمزه که عالم بود بر او امر معروف کرد". (همان؛ ۱۵۶) حمزه آذرک در اواخر قرن دوم هجری علیه خلافت عباسی شورید و با پایه‌گذاری حاکمیتی مستقل بر منطقه وسیعی از ایران حکمرانی کرد. قدرت وی چنان قوت گرفت که چند بار سپاه خلیفه عباسی را شکست داد تا این که هارون خود با سپاهی برای سرکوبی او رهسپار ایران شد (همان، ۱۶۰) حمزه آذرک حتی در جواب نامه هارون که از وی خواسته بود دست از شورش بردارد تا او و یارانش بخشیده شوند با شروعی متفاوت یعنی "سلام علی اولیاءالله" چنین استدلال کرد که خلیفه را به عنوان امیرالمؤمنین نمی‌شناسد. حمزه آذرک همه حکومت‌های پس از دو خلیفه نخست را گمراه می‌دانست. برای همین برای جنگ با هارون به سوی خراسان به راه افتاد. "یارانش کابین زنان بدادند و وصیتها بکردند و کفن‌ها اندر پوشیدند و سلاح از بر آن. و سی هزار همه زهاد و قران خوان برفتند." (همان، ۱۶۸) اما با خبر مرگ هارون تصمیم گرفت و گفت "واجب گشت بر ما که بغزوت پرستان رویم بسند و هند و چین و ماچین و ترک و روم و زنگ. (همان، ۱۶۹)

جنگ‌های متعددی با هندوان در سند و سراندیب و چین و ماچین و ترکستان و روم یادآور جنگ‌های متعدد قهرمان حمزه نامه با کافران این بلادهاست. نویسنده نامعلوم تاریخ سیستان قول داده است که مستقلاً "قصه تمامی بماغازی حمزه گفته آید" (همان، ۱۷۰) که البته چنین امری یا محقق نشده یا در سیر تاریخی از میان رفته است.

تحلیل حمزه نامه

ابتدا حمزه نامه نشانه‌شناسی گفتمانی می‌شود و پس از تطبیق با ابومسلم نامه، روایت دو اثر که تقریباً همزمان بوده‌اند، به فراخور مقاله تلاش خواهد شد گفتمان‌های رایج عصر این دو قصه و چرایی روایت آن تحلیل و تبیین گردد.

شخصیت‌شناسی حمزه نامه

قصه به معنای کلاسیک آن ساختاری ماجرا محور دارد و راوی می‌کوشد با ماجراهای محیر العقول و فرا واقعی شنونده و مخاطب را با خود همراه کند. به عبارتی " به آثاری که در آن‌ها تأکید بر حوادث خارق العاده بیشتر از تحول و پرورش آدم‌ها و شخصیت‌هاست قصه می‌گویند. محور قصه بر ماجرا و حوادث خلق الساعه است". (میرصادقی، ۱۳۸۱، ۴۴) و هدف آن به ظاهر بیدار کردن حس کنجکاوی و سرگرم کردن خواننده یا شنونده است و لذت بخشیدن و مشغول کردنش اما در حقیقت درونمایه و زیربنای فکری و اجتماعی قصه‌ها ترویج و اشاعه اصول انسانی و برادر و برابری و عدالت و اجتماعی است. (همان، ۵۸)

قصه‌های و آثار ادبی گذشته به معنای امروز شخصیت‌پردازی ندارند و به عبارتی هویت آنها از حیث روانی و جنبه‌های فردی کمتر نمود خارجی دارند و هر فرد نمود تپیی از اجتماع است. با این همه نیاز است که دال‌هایی که متن پیرامون دال مرکزی شکل گرفته‌اند، مشخص شوند تا بتوان طبق آن تعریفی کلی از هر فرد پیدا کرد. در حمزه نامه، شخصیت‌ها بیشتر نماد تفکر و اندیشه طیفی خاصی از افراد جامعه هستند تا این که بازتاب دهنده هویت منفرد و برخاسته از جنبه‌های روانی و فردی خودشان باشند. به طور مثال حمزه قهرمان این رمانس با هیچ تشخص خاصی نماد اندیشه توحیدی است که با شجاعت تمام برای خداپرست کردن کافران نبرد می‌کند. البته همسو با این، رابطه بین دختران انوشیروان و حمزه، و دیگر معشوقه‌های پری و غیر پری حمزه، بن مایه‌ای عشقی قوی برای جلب مخاطب و مستمع شده است. این، افزون بر وقایع متحیرالعقولی است که شنیدن آن را لذتبخش می‌کرده است. با رنگارنگی و قهرمانان گوناگون قصه تلاش شده همراه با بر انگیختن حس کنجکاوی و سرگرم کردن مستمع، درون مایه خاصی از جهان بینی به مخاطب انتقال یابد.

همان طور که ذکر شد هر چند قصه‌ها کمتر شخصیت به معنای امروزی دارند، می‌توان با بازنمایی تپیکال آن‌ها پی برد که چه هدفی را دنبال می‌کرده و قصد انتقال چه مفاهیمی را داشته‌اند. با توجه به دوره روایت این قصه که همزمان با ابومسلم نامه و مقبول طیف مخاطبان عام مسلمان بوده است، می‌توان نشانه‌های فردی هر یک از گروه‌های مثبت و منفی کنشگران ماجراها را دسته بندی کرد.

ماجرای اصلی این قصه میان پارسیان به فرماندهی انوشیروان عادل و عرب‌ها به سرکردگی حمزه به وقوع می‌پیوندد. پیرامون این دو فرد شخصیت‌های بسیاری در حال انجام

کنش داستانی هستند. برخی از این افراد موافق و برخی مخالف این دو شخصیت اصلی هستند. برخی مثل بوزجمهر تباری از خاندان پیامبری دارند (شعار، ۱۳۴۷؛ ۱، ۱۲) و از دانش و خرد بهره مند است و ولادت پیامبر را پیش بینی می‌کند و اینکه حمزه "شاهان کفار را از تخته تخته به تخته تابوت رساند و حلقه بندگی در گوش گردن کشان کند و فراش دین محمد رسول الله علیه و سلم گردد." (همان، ۱، ۶۱-۶۲) و سرانجام در انتهای قصه چون می‌فهمد که پیامبر زاده شده هنگامی که انوشیروان به بهانه قتل بختک وزیر کورش کرده راهی مکه می‌شود تا شفا یابد تا بینا شدن بوزجمهر اولین معجزه پیامبر لقب گیرد. (همان، ۲، ۴۸۳) در برابر بوزجمهر وزیر دیگر انوشیروان یعنی بختک کافر آتش پرستی است که افکار ناپاک در سر دارد و از تبار زشت کردار است که پدر بوزجمهر را کشته است. شاید بتوان چنین نتیجه گرفت انوشیروان از دو نیمه خیر و شر تشکیل شده است که نیمه خیر وی بوزجمهر است و نیز شر وی که سبب پیمان شکنی و آتش پرستی و اعمال ناشایست می‌گردد بختک وزیر است که از تباری خائن برخوردار است. سرانجام این دو وزیر هم نکته جالبی است. بوزجمهر به دست پیامبر شفا می‌یابد و همانجا می‌میرد ولی بختک وزیر به دست عمر امیه یار وفادار حمزه کشته و از گوشتش هرسیه پخته به سربازان داده می‌شود. (همان، ۲، ۴۸۲) و این شاید نشان نوعی از تفکر ثنویت و زروانی باشد که راوی آگاهانه یا ناآگاهانه در اثر خود گنجانده است.

جذابیت شکل‌گیری ماجراها با شخصیت‌های گوناگون و طیف‌های فکری مختلف، حمزه نامه را یکی از مقبول‌ترین قصه‌های زمانه خود در دو گفتمان شیعه و سنی کرده است. در عصر اقتدار یعنی دور شاه عباس حمزه نامه رقیب سرسخت شاهنامه قلمداد شده است (لسان، ۱۳۵۴، ۲ تا ۶) و در قلمرو گفتمان اهل سنت برای طرز روایت آن برخی از قصاص معروف دربار شاهان بابری هند همانند عبدالنبی قزوینی دستورنامه نوشته‌اند که البته این اثر از میان رفته و برخی از مطالب آن در دیگر کتب مؤلف آمده است.

شخصیت‌های حمزه نامه همانند آثار ادبی کلاسیک دیگر نماد تفکر و اندیشه طیفی از افراد جامعه هستند تا این‌که هویت منفرد و برخاسته از جنبه‌های روانی و فردی خودشان؛ حمزه و انوشیروان هر کدام نماینده تفکری با عقیده‌ای متضاد هستند؛ حمزه موحد است و مؤید به پیامبران الهی از جمله ابراهیم (ع) (شعار، همان، ۱، ۴۱) کسی که همچون علی، مؤید به جبرئیل است جز این که وحی بر آن دو نازل نمی‌شود. (همان؛ ۱، ۳۷) و انوشیروان کافر ظالمی با آنکه تمایل قلبی به حمزه دارد به خاطر مشاوره‌های وزیر ناپاکش، بختک و

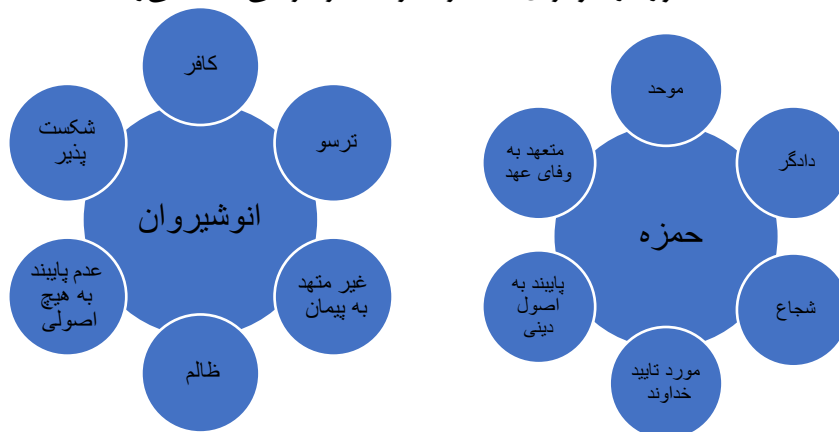
برای تن ندادن به خواسته حمزه برای خواستگار و همسری با مهرنگار دخترش، قهرمان قصه را به مأموریت‌های خطرناک می‌فرستد. این تقابل کنشی برخاسته از تقابل ذهنی و اندیشه‌ای است که تا پایان کتاب ادامه دارد. تبلور ویژگی‌های شخصیت‌های حمزه نامه همسان و شبیه هم هست. حتی حمزه همانند انوشیروان اعمال مشابه انجام می‌دهد و توحید و یگانه پرستی بهانه راوی است تا با ایجاد صحنه‌های تقابل میان قهرمانان دو طیف شخصیت‌های کنشگر قصه‌اش را پیش ببرد. تنها زمانی این تقابل شدت می‌یابد که انوشیروان به علت جایگاه نژادی‌اش هنگام خواستگاری حمزه از مهرنگار تصمیم به انجام عملی بر خلاف میل خود می‌گیرد و در این راه بختک وزیر یکی از کسانی است که به خاطر پیشینه تاریک و مخالفت با بوزجمهر وی را به راه‌های ناصواب هدایت می‌کند و از وی می‌خواهد برای رهایی از ننگ دادن دختر به یک "بچه مکه" قهرمان عرب را به مأموریت‌های غیرممکن بفرستد که برگشت ناپذیر به نظر می‌رسد ولی حمزه به خاطر پیشینه الهی و پیوند با پیامبر و با استفاده از ابزارهایی که از پیامبرانی مثل اسحاق و ... به وی رسیده بر موانع پیروز می‌شود و بر خلاف خواسته شاه ایران به مهرنگار دست می‌یابد.

هویت فردی شخصیت‌های مثبت و منفی حمزه نامه

شخصیت‌های قصه حمزه نامه هر کدام نماینده نوع افراد جامعه هستند؛ بدین معنا که تشخیص داستانی ندارند و هر فرد نماینده تپیی است که طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که می‌توان با شناخت شاخصه‌های هر گروه به ویژگی‌های فردی قهرمانان آنها پی برد. حمزه متولد خانواده اشرافی عرب و نماینده طبقه حاکمیتی که فرهنگ و دین آن هنگام روایت قصه بیشتر شرف را در بر گرفته است. این گروه از عرب‌ها که وابسته به خاندان بزرگی از مردم مکه هستند بگونه ای با پیامبران الهی از جمله ابراهیم پیامبر پیوند دارند و نماینده یکتاپرستانی هستند که برای گسترش توحید می‌کوشند. آن‌ها نسبت به مسائل دینی توجه ویژه دارند و با کمک الهام یا خضر پیامبر بر مشکلات این جهانی فائق می‌آیند. حمزه و یارانش که نماینده افراد مثبت، موحد، متعهد و وفادار به عهد و پیمان، مورد تأیید خداوند، شجاع و دادگر هستند که هدف از مبارزه و جنگشان نه پیروزی بر دشمن که به کرنش و اداشتن آنها در برابر خداوند است.

در برابر این طیف کافران قرار دارند که زندگی‌شان پر از مکر و غدر است و به هیچ یک از عهود خود پایبند نیستند. اینان به خاطر مطامع دنیوی و به خاطر خودبرتر بینی به راحتی عهد

و پیمان خود را زیر پا می‌گذارند و برای رسیدن به مقاصد دنیوی به هر ترفندی دست می‌یازند. انوشیروان با آن که شاهی متصف به عدالت است، در اصل ظالمی است که به راحتی فریب بختک وزیر را می‌خورد و برای رهایی از عهدی که با حمزه بسته جان قهرمان عرب را به خطر می‌اندازد ولی او با شجاعت بر مشکلاتی که برایش تدارک دیده شده غالب گشته با پیروزی و سربلندی نزد شاه ایران می‌آید. اما دو باره توطئه سخت‌تری برایش تدارک دیده می‌شود تا نتواند به خواسته‌اش که رسیدن به وصال مهرنگار دختر انوشیروان است برسد. انوشیروان و بختک وزیر به استثنای بوزجمهر که موافق حمزه است و دیگر درباریان شاه ایران صفاتی همانند شاه هفت کشور دارند و برای غلبه بر حمزه به هر نیرنگی دست می‌زنند.



هویت مثبت فردی قهرمان حمزه نامه (حمزه) هویت منفی فردی ضد قهرمانان حمزه نامه (انوشیروان)

هویت گفتمانی طبقه یاران حمزه

دال مرکزی حمزه که دال‌های دیگر حول آن شکل گرفته‌اند و با پیوند به او درصدد ایجاد هویت گروهی مشخصی هستند و آن موحد کردن تمام کافران است آن‌ها جنگاورانی که با گردن نهادن به حمزه و بر زبان آوردن شهادتین مسلمان و موحد می‌شوند و برای غلبه بر دشمنان خود تلاش وافر می‌کنند. این طبقه که پیوندشان به گونه‌ای به حضرت ابراهیم می‌رسد، مؤید به انبیای الهی هستند هرچند مثل بوزجمهر وزیر انوشیروان کافر و آتش پرست باشند. در طبقه این گروه افراد با اعتقاد به خدای یکتا بدون هراس با دشمنان می‌جنگند و برای رساندن قهرمان خود به مقاصدش تا پای جان تلاش می‌کنند. این طبقه که شامل

بسیاری از اقوام و حتی اجنه و پریان هستند در تلاش اند، قهرمان خود را به خواسته‌اش که همانند گشودن گره‌ها و مشکلات برای رسیدن به محبوبش مهرنگار دختر انوشیروان است برسانند و بر شاه ظالم و کافر ایران زمین و وزیر کینه جو و ضدعربش غلبه کنند. این طبقه پس از خبر یافتن از ظهور پیامبر همراه قهرمان قصه راهی مکه می‌شوند و پس از نبرد با دشمنان و کشته شدن بسیاری از آنها سرانجام تنها هفتاد نفر خود را به جنگ احد می‌رسانند و همگی در راه توحید به شهادت می‌رسند.

در برابر این طبقه کافران هستند که سرکرده آنها انوشیروان است. وی فردی نیک اندیش است ولی به خاطر گوش دادن به توصیه‌های وزیر پر مکر و غدرش بختک با پیمان شکنی درصدد غلبه بر قهرمان قصه است. انوشیروان شخصی دو وجهی دارد هنگامی که به حرف‌های بوزجمهر گوش فرا می‌دهد رفتاری مسالمت آمیز با حمزه دارد؛ ولی هنگامی که بختک وی را مشورت می‌دهد نیمه تاریک و بدی وجودی‌اش فعال می‌شود و برای رهایی از ننگ دادن دختر به عرب به هر کاری دست می‌یازد تا آنجا که موجب کشته شدن دخترش مهرنگار و نوه‌اش قباد می‌شود.



طبقه کافران



طبقه یکتا پرستان

تحلیل ابومسلم نامه

همزمان با روایت حمزه نامه در بخش دیگری از جهان اسلام یعنی ایران قصه ایدئولوژیک *ابومسلم نامه* بسیار مورد توجه حکومت نوظهوری به نام صفویه بود. صفویان که موید به گروهی از مردم آناتولی بودند که دارای اعتقاد خاصی بودند و به قصه عشق می‌ورزیدند (سومر، ۱۳۷۱: ۱۰-۱۲)، به شنیدن قصه‌ای متمایل بودند که آنها را برای رسیدن به اهدافشان متحد و منسجم کند. ابومسلم نامه قصه‌ای با بن‌مایه‌های مستحکم مذهبی مبتنی بر انتقام از اعدای دین با کشتن خوارج و اهل سنت و گسترش دادگری با تعریف خاصش طرفداران بیشمار در ایران قرن نهم و دهم و یازدهم هجری داشت. اگرچه با ورود علمای شیعی جبل عاملی مبارزه و تقابلی شدید میان طرفداران این قصه و اهل شریعت به وقوع پیوست. با این همه، این قصه برای رسیدن به اهداف خاص صفویان در انسجام بخشی به قزلباشان و به روز رسانی تقابل شیعی و سنی سده‌های قبل توانست بر مستمعین خود برای رسیدن به اهداف مذهبی کمک شایانی کند.

هویت فردی شخصیت‌های مثبت و منفی ابومسلم نامه

ابومسلم نامه همچون حمزه نامه اثری کلاسیک است که کمتر نشانه‌ای از شخصیت-پردازی به معنای امروزی در آن وجود دارد که شخصیت‌های مثبت و منفی آن حول گفتمان‌های خاص در حال کنش‌های قهرمانانه هستند. نیاز است که دال‌هایی که متن پیرامون دال مرکزی شکل گرفته‌اند، مشخص شوند تا بتوان طبق آن تعریفی کلی از هر فرد پیدا کرد. در ابومسلم نامه همانند آثار ادبی کلاسیک شخصیت‌ها بیشتر نماد تفکر و اندیشه طیفی از افراد جامعه هستند تا این‌که هویت منفرد و برخاسته از جنبه‌های روانی و فردی خودشان؛ ابومسلم و نصر بن سیار هر کدام نماینده تفکری با عقیده‌ای متضاد هستند؛ ابومسلم منتقمی برخاسته از گفتمان تشیع است. نصر سیار نماینده گفتمان اموی و صاحب قدرت و ضد شیعی است. با این همه، می‌توان شاخصه‌هایی پیدا کرد که ضمن بیان تمایز بودن، برخاسته از شخصیت فردی آنهاست. ابومسلم فردی مذهبی است که از طبقه فرودست برخاسته است که هدفش رسیدن ارزش‌های جامعه عدالت محور، مبتنی بر حب اهل بیت است. وی رزم افراز افسانه‌ای به نام تبر دارد که از باقیمانده ذوالفقار علی (ع) ساخته شده است. تبرزینی که کنده دنیا می‌شکند و هم هیزم برزخ را فراهم می‌آورد.

شخصیت‌های دیگر این اثر مثل خردک آهنگر و اسحاق کنده شکن و حتی احمد زمجی نمودی از جنبه‌های پهلوانی و عیاری ابومسلم هستند و زنان ابومسلم‌نامه جنبه‌های عاطفی وی را تشکیل می‌دهند. مادرش حلیمه با حسی مادرانه نگران فرزند خود است در عالم رؤیایی از سوی فاطمه زهرا سلام‌الله علیها به وی وعده چهل سال شاهی پسرش داده می‌شود با این هدف که انتقام از اعدای اهل بیت بگیرد و زنان دیگری چون بی‌بی سستی و مجلس افروز که ضمن داشتن شاخصه‌های زنانگی و جوهی از مردانگی و عیاری را در خود دارند.



شخصیت فردی نصر سیار (ضدقهرمان)



شخصیت فردی ابومسلم (قهرمان)

هویت گفتمانی طبقه فرودست منتقم

دال مرکزی ابومسلم که دال‌های دیگر حول آن شکل گرفته‌اند و با پیوند به او درصدد ایجاد هویت گروهی مشخصی هستند و آن انتقام از قاتلان حسین بن علی علیه‌السلام است و هدف نهایی آنها برقراری حکومت عدل با انتقام گرفتن از خارجی‌ها و اهل سنت و امویان و کشدگان آن حضرت است. آن‌ها جنگاورانی برخاسته از جامعه فرودست هستند که گرد ابومسلم حلقه زده با ایدئولوژی حب علی در برابر بغض امویان، تلاش می‌کنند هدف خود را که پیروزی بر گفتمان غالب وقت یعنی حاکمیت اهل تسنن است به دست بیاورند. آن‌ها افرادی مظلوم هستند که اخلاق مدار و پایبند به شریعت اما با دیدگاه طریقتی هستند.



هویت گروه و طبقه حاکمه

در برابر هویت قهرمانان ابومسلم‌نامه، افرادی چون نصر بن سيار و "محتاج" فرمانده و دیگر فرماندهان خارجی‌هایی هستند که راوی سعی کرده با نشانه‌گذاری، آن‌ها را افرادی دنیاخواه، شهوی، قدرت‌طلب، ستمگر، آدم‌کش، ضد عدالت نشان دهد. راوی از همان ابتدای ابومسلم‌نامه با نشان دادن حاکمیت و اهل تسنن به‌عنوان افرادی بدطینت که بی‌رحم و سنگدل هستند و از نادانی، به رهبران گفتمان‌های دیگر توهین می‌کنند و برای رسیدن به قدرت و مطامع دنیا از هیچ ستمی چون کور کردن یک زن بی‌گناه و کشتن شوهرش بدون هیچ

پرسشی تلاش دارد همه ویژگی‌های منفی فردی را در همه یکسان نشان دهد. مهم نیست که وی حجاج بن یوسف ثقفی باشد یا یک فرد معمولی که به خاطر افتادن کاسه ماستش به بزرگ شیعیان توهین کند.

این افراد همسان برای مقابله با گفتمان تشیع از هیچ ستمی فروگذار نیستند. آن‌ها اهل سنت و وابسته به حکومت دمشق می‌باشند که شیفته دنیا و قدرت‌اند. آن‌ها برای رسیدن به ثروت و مقام دنیوی، به هر دروغی متمسک می‌شوند و با در غفلت نگاه‌داشتن دیگران می‌کوشند به گفتمان حریف اجازه تسلط و آگاهی بخشی ندهند. به‌طور مثال، با گفتن این‌که مخالفان ابوترابی هستند وجه منفی برای پهلوانان حریف قائل می‌شوند که با آگاهی بخشی گفتمان حریف این حربه تبدیل به ضد آن می‌شود.



هویت گروهی طبقه گفتمان غالب

در این اثر سترگ خرده گفتمان‌ها بسیار دیگری وجود دارد؛ خرده فرهنگ‌های غیر ایرانی، خرده فرهنگ ترک و خرده فرهنگ حکومتی وابسته به قدرت و ایرانیانی که به مذهب باستانی زرتشتی پایبند هستند که در زمان مناسب همانند قصه ماهیار و همسرش، به یکی از دو گفتمان اصلی پیوند خورده دال مرکزی قصه را تقویت می‌کنند.

نظم‌های گفتمانی حمزه نام و ابومسلم نامه

مشابهت‌های مضمونی و تفاوت‌های مفهومی حمزه نامه و ابومسلم نامه

قصه بودن هر دو اثر کمک می‌کند تا زمان و مکان در بحثی گفتمانی مورد بررسی و نشانه‌شناسی قرار گیرد. حمزه نامه اثری با راوی نامعلوم با ۶۹ خرده روایت و قصه که آن را به هم پیوند داده است. این اثر ۵۵۵ صفحه‌ای با قصه‌های متوالی مخاطب خود را وا می‌دارد تا انتها آن را دنبال کند. بر خلاف این، ابومسلم نامه قصه‌ای با نویسنده معلوم و یک داستان تاریخی پیوسته که شرح ماجراجویی‌ها و قیام ابومسلم خراسانی را در بیش از دو هزار صفحه روایت می‌کند. (طرطوسی، ۱۳۸۰) با این همه به نظر می‌رسد که قصه حمزه نامه برای عوام و مستمعین با هر گفتمان مذهبی مناسب‌تر باشد؛ زیرا در این اثر به ندرت به اختلافات مذهبی اشاره می‌شود. حمزه نجیب زاده‌ای است که مأمور شده با پیکار با کافران آنها را به خداپرستی دعوت کند. وی کمتر مخالفان خود را می‌کشد. بلکه با اسارت و به بند کشیدن آنها، در ابتدا می‌خواهد با گفتن این عبارت " بگویند خدا یکی است و دین ابراهیم بر حق است (شعار، همان، ۴۷، ۶۲، ۱۴۸، ۲۸۵، ۲۹۶، ۳۱۶، ۳۸۳، ۴۵۱) جان خود را نجات دهند؛ اما اگر کسی نپذیرد که موحد شود وی را بر زمین می‌کوبد یا با شمشیر می‌کشد. همانند علمقه، عدیث شاه یونانی، (۱۰۰، ۱۷۲) یا اگر پهلوانی مثل قیماز (همان، ۳۸۷) صاحب شایستگی‌اند اما موحد نمی‌شود با وی مدارا و مهربانی می‌شود تا موحد و بقولی مسلمان گردند. چنانچه کسی شایستگی داشته باشد و قبل از دعوت به توحید کشته شود حمزه ناراحت می‌شود. همانند کشته شدن پولاد کرد دزد که با چوب قندز. امیر گفت " ای وحشی چرا بی فرمان من او را کشتی؟ اگر او مسلمان شدی او یار تو بودی. " قندز گفت " ای امیر دزد حرامزاده چوب از دست من ربود. "

امیر حمزه از جهت آن دزد افسوس کرد و قندز را تلقین می‌کرد تا بار دیگر اینچنین نکند.

(همان؛ ۱، ۲۶۲)

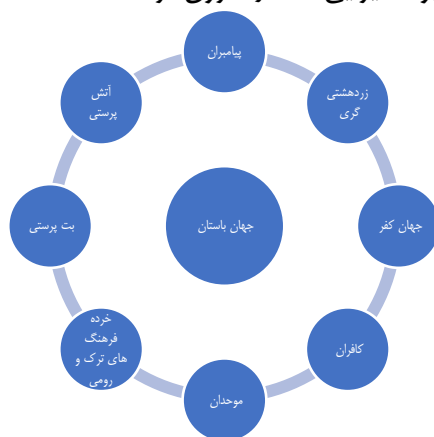
مکمل این بافت مذهبی، روایت عاشقانه‌ای است با دعوت انوشیروان از حمزه برای شکست دشمنان و آشنایی با مهرنگار دختر شاه هفت کشور یعنی انوشیروان شکل می‌گیرد. (همان، ۱، ۱۴۱) پس از دیدن مهرنگار و عاشق شدن حمزه بدو، انوشیروان به توصیه وزیرش بختک نابکار حاضر نمی‌شود دخترش را به " بچه مکه " بدهد پس او را به

مأموریت‌های شاق می‌فرستد.

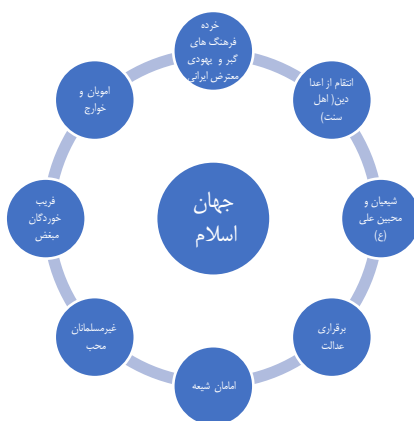
یکی دیگر از عوامل ماندگاری و جذابیت حمزه نامه برای مستعین عوام، رنگارنگی قصه از لحاظ‌های مختلف همچون وجود قصص جن و پری، برخورد با اقوام متفاوت، پهلوانان نامدار ایرانی و غیر ایرانی که مخاطب آشنا بدان‌ها بوده است و... که همگی سبب شده بر خلاف ابومسلم که قصه‌ای تک ماجرا و ایدئولوژیک است، با فراگیری قلمرو بیشتر و ماندگاری زیادتری شنونده داشته باشد. اگر ابومسلم میان شیعیان و عیاران و علویان و طرفداران ائمه و برای کشتن خارجی‌ها و گرفتن انتقام از اعدا دین روایت شده است (طرطوسی، همان، ۱، ۵۸۹)، مضمون حمزه نامه در دایره‌ای وسیع‌تر نه برای کشتن که برای مفهوم توحیدی و یکتاپرستی همراه با بن‌مایه‌های عاشقانه جذاب‌تر می‌نموده است. قصه ابومسلم پس از تقابل گفتمان‌های درون شیعی اهل شریعت و قزلباشان رو به افول نهاد و اهل شریعت با کمک شاهان صفوی عرصه را چنان بر راویان این قصه تنگ کردند که بسیاری کشته و محبوس شدند و طومارهای آن با آب شسته شد (حموی ابهری، ۱۳۸۶، ۱۷۶) اما راویان قصه حمزه نامه با وسیع کردن دایره مفاهیم سبب شدند از دامنه گفتمان مذهبی خارج و به دایره بزرگ‌تر شرک و ایمان انتقال یابد. همین امر شاید سبب شد از سوی علمای شیعی و شاهان صفوی کمتر مورد اعتراض واقع گیرد. از طرفی از سوی حاکمان اهل سنت ترویج می‌شد و حتی به دستور اکبرشاه گورکانی به زیبایی نگارگری شد که امروزه به خاطر همین نگارگری و تصویرسازی یکی از شاهکارهای هنری محسوب می‌شود (غروی، ۱۳۴۸، ۳۲). این قصه چنان مقبول طبع طبقه خواص و عوام بود که برخی از قصه‌پردازان دربار شاه هند برایش دستور روایت نوشتند "به جهت خواندن قصه امیرحمزه و آداب آن تا قصه خوانان را دستوری باشد. (قزوینی، ۱۳۴۰، ۷۶۹)) همزمان این قصه در دوره اوج صفویه نیز از محبوبیت مثال زدنی برخوردار بوده است و رقیبی برای شاهنامه خوانی بود. (لسان، ۱۳۵۴، ۲ تا ۶)

در مجموع باید قصه حمزه نامه را در فضای و بافت تاریخی متفاوتی از دیگر قصه‌ها بررسی کرد و اهداف راوی را جدای از وقایع تاریخی تحلیل و تبیین کرد. پوشیده نیست که راوی حمزه نامه با زیرکی با بهره‌مندی از وقایع گذشته و فرهنگ‌های پیرامونی‌اش توانسته قصه‌ای فراگیر و متفاوت خلق کند. هرچند حمزه نامه از انسجام درونی برخوردار نیست و هر خرده قصه آن می‌تواند مستقل روایت شود با این همه این قصه از چنان ساختار جذابی با بن‌مایه‌های مستحکمی همچون توحید، عدالت، مردانگی، وفای به عهد در برابر مضامین

شرک، ظلم، ناعدالتی و پیمان شکنی و... برخوردار است که مخاطب چون آینه‌ای زندگی خود را در آن می‌دیده است. از سویی ماجراهای متفاوت عاشقانه از جمله: عاشق شدن پریان و دختران شاهان و حاکمان و فرمانده هان به پهلوان عرب بر جذابیت اثر افزوده است. هسمو با این نمی‌توان بستر پایبندی راوی به حوادث تاریخی و بهره‌مندی از شخصیت‌های شناخته شده همچون انوشیروان، بوزجمهر، گسته‌م، رستم، حمزه، پیامبر اسلام، و مکان‌های خاص مهم در گفتمان آیینی و دینی چون کوه قاف، مکه، تیسفون، مدینه و... برای گستره طیف وسیعی از مخاطبان آشنا بوده گیرایی قصه را افزون کرده است.



جهان داستانی حمزه نامه



جهان داستانی ابومسلم نامه

نتیجه

شناخت تاریخی از وقایع و حوادث و زمان و مکان قصه‌ها می‌تواند مفید باشد ولی قصه بسیار متفاوت تر از تاریخ است. یکی از مصالح مهم برای قصه‌پرداز تاریخ و حوادث واقعی است ولی زمانی که ماجرای تاریخی تبدیل به قصه می‌شود کمتر مشابهتی با ماجرای قبلی ندارد. زیرا در یک اثر هنری قصه نویسنده به عنوان یک اندیشه‌ورز هنرمند، آنچه را برای پرداخت اثرش نیاز دارد وام می‌گیرد و پس از تحلیل در ذهن و فکرش آن را به گونه‌ای متفاوت و با ایجاد فاصله هنرمندانه به مخاطب ارائه می‌کند. برای همین دانستن این نکته که یک قصه چقدر با واقعیت تاریخی مرتبط است چندان مفید فایده نیست. آنچه مهم است چرایی پردازش اثری است که هنرمند قصه‌پرداز با شناخت زمان و مکان و مردم زمانه‌اش اثری را خلق کرده که سده‌ها شنونده و خواننده داشته است.

با تطبیق حمزه نامه و ابومسلم نامه که هر دو تقریباً در یک دوره خاص روایت شده‌اند این نتایج مهم به دست می‌آید که هرچند ابومسلم نامه قصه مسنجم‌تری نسبت به حمزه نامه دارد و در میان شیعیان و علویان و غالیان و متصوفه بسیار طرفدار داشته و بر تقابل گفتمانی مظلومیت تشیع تأکید داشته و مخاطب را برای انتقام از اعدا دین و جنگ با خوارج بر می‌انگیخته و در انسجام بخشی بخش مهمی از گفتمان مغلوب در برابر گفتمان خلافت و اهل تسنن نقش اساسی داشته و زمینه لازم را برای تشجیع آنها برای غلبه بر دشمنان فراهم آورده است. به طوری که یکی از دلایل مهم تمایل قزلباشان و صوفیان در عصر صفویه به این قصه همین بوده است ولی حمزه نامه با دوری از مسائل ایدئولوژیک تلاش کرده با بنا نهادن قصه در چهارچوبه و آموزه‌هایی که اسلام بر آن بنا شده یعنی دوری از شرک و خدا پرستی و با در برداشتن مضامین و مفاهیم انسانی چون عشق، توجه به پریان، فرهنگ‌های ناشناس پیرامونی، مخاطب را جلب کند. حتی با انتخاب قهرمانی مثبت برای همه مذاهب راگرد خود جمع کند. عدم ذکر و بیان نکات و مطالب اختلافی میان مذاهب است که سبب شده کمتر کسی در برابر حمزه‌نامه جبهه بگیرد و آن را مردود اعلام کند برخلاف ماجرای تحریم ابومسلم نامه که دو سده حکومت صفویه را دچار چالش کرده بود. در این اثر، بهره‌گیری هوشمندانه راوی از وقایع تاریخی و شخصیت‌های مثبت تاریخ اسلام و نیز بیان مضامینی که انسان از ابتدای خلقت بدان تمایل داشته است مثل عشق ورزی، وفای به عهد و جوان مردی و پهلوانی است که سبب تمایز این قصه از دیگر قصه‌ها شده است. به طوری که تمام طبقات از شاه و

هنرمند قصه‌پرداز و عوام‌برای شنیدنش تمایل داشته‌اند و تا یک نسل پیش در نقاط دور دست ایران هم روایت می‌شده است.

سرانجام این که راوی در حمزه نامه با تلفیق وجوه وقایع و شخصیت‌های ملی، دینی و با بهره‌مندی از فرهنگ‌های گوناگون، اندیشه‌های اصیل دینی یعنی شرک و بت پرستی، شخصیت‌های محبوب ایران باستان، جهان اسلام و تلفیق آن با وقایع شگفت‌انگیز و ماورائی، با این بیان که همه عرصه‌های اجتماع جولانگاه گفتمان است، با خلق و پرداخت قهرمانانی در جهانی خیالی در قالب قصه، مخاطبان زیادی را در بسیاری از سرزمین‌های دور و نزدیک در چند سده به خود جذب و جلب کند و نمونه‌ای باشد برای روایت قصه‌ای نو برای مخاطبان امروز.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۴۰۹) اسد الغابه، دارالفکر، بیروت.
۲. ابن تیمیه (۱۴۰۶) منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، دارالکتاب العلمیه، بیروت.
۳. ابن خلدون (۱۳۷۳) تاریخ ابن خلدون (العبر) ترجمه عبدالحمید آیتی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۴. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۷) البدایه و النهایه، دارالفکر بیروت.
۵. احمدسلطانی، منیره (۱۳۷۳) نگاهی به سیر قصه‌های عامیانه در دوره صفوی با محوریت رموز حمزه، مجله تاریخ ادبیات.
۶. حسن ذوالفقاری (۱۳۸۹) ساختارشناسی بن مایه‌های حمزه نامه (با تکیه بر بن مایه‌های عیاری، شگفت‌انگیزی و کرامت) نقدی ادبی.
۷. حموی ابهری، محمد بن اسحاق (۱۳۸۶)، انیس المؤمنین، تحقیق میر هاشم محدث، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران.
۸. رشید خدای و دیگران (۱۳۹۸) بررسی تطبیقی حمزه نامه با حمزه البهلوان (منشاء قصه، شخصیت اصلی، محتوا و گونه) مجله ادبیات تطبیقی.
۹. رضا غوریانی و فرزاد قائمی (۱۳۹۸) تحلیلی درباره خاستگاه حماسه‌های عامیانه حمزه نامه در تطبیق با داستان بهرام چوبینه، دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، ناشر دانشگاه تهران، تهران.
۱۱. سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳)، تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش، فصلنامه علوم سیاسی.
۱۲. سومر، فاروق (۱۳۷۱)، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، ترجمه؛ احسان اشراقی و محمدتقی امامی، تهران، گستره.
۱۳. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۴) تاریخ ادبیات در ایران، فردوسی، تهران.
۱۴. طبری، محمد (۱۳۸۷ ق) تاریخ طبری، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، دارالتراث، بیروت.
۱۵. طرطوسی، حسن (۱۳۸۰) ابومسلم نامه، به کوشش حسین اسماعیلی، معین و قطره، تهران.
۱۶. غروی، مهدی (۱۳۴۸) حمزه نامه بزرگترین کتاب مصور فارسی، مجله هنر و مردم، شماره ۸۵،
۱۷. فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبی (۱۳۹۲) طرازالخبار، به تصحیح سیدکمال حاج سید جواد، پژوهشکده هنر، تهران.
۱۸. فرکلاف (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.

۱۹. گردیزی، عبدالحی (۱۳۴۷) زین الاخبار، به کوشش عبدالحی حبیبی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۲۰. گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹)، کاروان هند، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۱. لسان، حسین (۱۳۵۴) شاهنامه خوانی، دوره ۱۴. تهران.
۲۲. مارزلف، اولریش (۱۳۷۱)، طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، ترجمه کیکاووس جهاننداری، سروش، تهران.
۲۳. محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۲)، ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، چشمه، تهران.
۲۴. محجوب، محمدجعفر (۱۳۷۰)، تحول نقالی و قصه‌خوانی، تربیت قصه‌خوانان و طومارهای نقالی، مجله ایران نامه.
۲۵. مقریزی، احمد (۱۴۲۰) امتاع الاسماع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، دارالکتاب العلمیه، بیروت.
۲۶. میر صادقی، جمال (۱۳۶۶) ادبیات داستانی، قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان، نشر علمی، تهران.
۲۷. ----- (۱۳۹۴) عناصر داستان، نشر سخن، تهران.
۲۸. ناصری، مسلم (۱۳۹۹) تحلیل گفتمان‌های قصه پردازی در عصر صفوی (با مطالعه موردی ابومسلم نامه، حسین کرد شبستری و کلثوم ننه) رساله دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.
۲۹. نویسنده نامعلوم (۱۳۴۷) قصه حمزه (حمزه نامه) به کوشش جعفر شعار، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۰. نویسنده نامعلوم (۱۳۱۴) تاریخ سیستان، بتصحیح ملک الشعراى بهار، موسسه خاور، تهران.
۳۱. یعقوبی، احمد ابن واضح (بی تا) تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت. یعقوبی، احمد بن اسحاق.